



رسائل فارسی میرسید شریف جرجانی

در کلام، فلسفه و عرفان

تصحیح و تحقیق
زینب سادات ابطحی





- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
فروست
شابک
وضعیت فهرست‌نویسی
یادداشت
یادداشت
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
رده‌بندی کنگره
رده‌بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی
- جرجانی، علی بن محمد، ۷۲۰ - ۸۱۶ ق.
رسائل فارسی میرسید شریف جرجانی / تصحیح و تحقیق زینب سادات ابطحی.
تهران: انتشارات دکتر محمود افشار، ۱۴۰۲.
۳۶۰ ص.
مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی دکتر محمود افشار؛ شماره ۳۳۳.
گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری؛ ۱۲۲.
۵-۶۳-۶۷۰۶-۶۲۲-۹۷۸
فیبا
کتابنامه: ص. [۳۴۱] - ۳۵۸.
نمایه.
کلام -- متون قدیمی تا قرن ۱۴.
Islamic Theology -- Early Works upto 20th Century*
جرجانی، علی بن محمد، ۷۲۰ - ۸۱۶ ق.
فلسفه -- متون قدیمی تا قرن ۱۴.
Philosophy -- Early Works upto 20th Century
عرفان -- متون قدیمی تا قرن ۱۴.
Mysticism -- Early Works upto 20th Century
ابطحی، زینب سادات، ۱۳۶۸ -، مصحح.
BP۲۰۵/۴
۲۹۷/۴۱۴
۹۱۴۱۳۴۹

رسائل فارسی میر سید شریف جرجانی
در کلام، فلسفه و عرفان



تصحیح و تحقیق



دکتر زینب سادات ابطحی



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۱۲۲]

گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری



هیئت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر ژاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح‌الله مجتبیایی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین‌وفایی (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ‌الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



رسائل فارسی میر سید شریف جرجانی در کلام، فلسفه و عرفان



دکتر زینب سادات ابطحی	تصحیح و تحقیق
دفتر نشر بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار	ویرایش
کاوه حسن بیگلر	گرافیکست، طراح و مجری جلد
زینب نورپور جویباری	حروفچین و صفحه‌آرا
صدف	لیتوگرافی
آزاده	چاپ متن
فرد	صحافی
۱۱۰۰ نسخه	تیراژ
۱۴۰۲	چاپ اول

انتشارات دکتر محمود افشار

ناشر

خیابان ولی عصر، بالاتر از پارک وی، خیابان عارف‌نسب، کوی دبیرسیاهی (لادن)، شماره ۶

تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۴ دورنما: ۲۲۷۱۷۱۱۵

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۵-۴۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۵-۴۶۹۵۳۸۰۴



شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ و قفنامه)

متولیان منصوص و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس) - دکتر محمد اسلامی (نایب رئیس) - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی
دکتر زاله آموزگار - دکتر احمد میر (بازرس) - ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

هیئت مدیره (منتخب شورای تولیت)

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس) - دکتر محمد اسلامی (نایب رئیس)
دکتر محمد افشین وفایی (مدیر عامل) - حمیدرضا رضایزدی (خزانه دار)



درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منسوب و واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار - مهندس نادر افشار
بهرز افشار یزدی - سید محمود دعایی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیئت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳)
دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح - دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی
دکتر یحیی مهدوی - دکتر علی محمد میر - دکتر محمد علی هدایتی

یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابراین کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشندهگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با مایاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان شناسی به طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقفنامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولیت است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هریک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی
آذر ماه ۱۳۵۸ شمسی

مستخرج

تکمله سوم



کتبی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می شود صد درصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است در برداشته، کتبی که بویی از ناحیه گرایشی و جدایی طلبی و حکایت از رواج زبان های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه آمیز و روش ها و سیاست های فتنه انگیز داشته نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن که اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولیت بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می شود باید منزه باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی و ادبی ایران شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتیم که مبدا چنین رسالاتی سال ها بعد از ما نخواسته و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد؛ ان شاء الله.

تکمله و تبصره

یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان.

کتاب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه گرایشی و جدایی طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه های محلی و زبان های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب ها و رسالات باید منزّه باشد از روش های تفرقه آمیز و سیاست های فتنه انگیز، چه به طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران شناسی.

کتاب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاژ و هوجی گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چون توان راستی را درج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتاب و رسالات نه تنها هزینه و حق الزحمه نمی خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب های خود به طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می خرید دانه ای دو شاهی، می پخت و رنگ می کرد و می فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می کنیم سود معنوی که منظور ماست می بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده آل و هدف ملی خود محسوب می داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشر شده در ابتدای کتاب های این بنیاد که اضافات و تفاوت هایی با هم دارد توجه فرمایید.



فهرست مطالب

۱۹.....	گزارش اجمالی
۲۱.....	پیشگفتار
۲۱.....	نگاهی دیگر به عصر حافظ
۲۵.....	درباره تحقیق پیش رو
۴۷.....	بخش اول: مقدمات
۴۹.....	۱. دورنمایی از اوضاع فرهنگی و اجتماعی ایران در روزگار مؤلف
۵۵.....	۲. حیات مؤلف
۵۵.....	۱-۲. نام و نسب
۵۷.....	۲-۲. مولد
۵۷.....	۲-۳. مقدمات فراگیری دانش
۷۴.....	۲-۴. سفر به روم و اقامت در مصر
۹۱.....	۲-۵. بازگشت به ایران و اقامت در شیراز
۱۰۷.....	۲-۶. هجرت به سمرقند
۱۲۲.....	۲-۷. بازگشت به شیراز
۱۳۱.....	۲-۸. وفات
۱۳۲.....	۳. اولاد

۱۳۲	۱-۳. شمس الدین محمد، فرزند.....
۱۳۹	۲-۳. نوادگان.....
۱۴۴	۳-۳. سلسله شریفی در شیراز.....
۱۴۶	۴. عقاید کلامی و مذهب.....
۱۷۰	۵. آرای عرفانی.....
۱۷۴	۱-۵. تأثیرپذیری از ابن عربی.....
۱۸۹	۲-۵. رساله در سیر و سلوک.....
۲۰۱	۶. جمع‌بندی دو بخش عقاید کلامی و آرای عرفانی.....
۲۰۵	بخش دوم: رسائل.....
۲۰۷	رساله در عقاید.....
۲۰۷	معرفی دستنویس‌ها.....
۲۰۷	۱. ال ۱.....
۲۰۹	۱-۱. رسم الخط ال ۱.....
۲۰۹	۲. مج ۱.....
۲۱۰	۱-۲. رسم الخط مج ۱.....
۲۱۰	۳. روش تصحیح.....
۲۱۱	متن رساله.....
۲۲۱	رساله در ردّ شبهات فلاسفه و عقاید معتزله.....
۲۲۱	معرفی دستنویس‌ها.....
۲۲۱	۱. مج ۲.....
۲۲۲	۱-۱. رسم الخط مج ۲.....
۲۲۳	۲. ال ۲.....
۲۲۴	متن رساله.....
۲۳۱	رساله در مسایل علوم سه‌گانه.....
۲۳۱	معرفی دستنویس‌ها.....

۲۳۱	 ۱. مج ۳
۲۳۵	 ۱-۱. رسم الخط مج ۳
۲۳۶	 ۲. مر
۲۳۷	 ۱-۲. رسم الخط مر
۲۳۸	 ۳. ال ۳
۲۳۸	 متن رساله
۲۴۹	 رساله در معرفت صنع و صانع
۲۴۹	 معرفی دست نویس ها
۲۴۹	 ۱. مج ۴
۲۵۰	 ۱-۱. رسم الخط مج ۴
۲۵۰	 ۲. مل
۲۵۱	 ۳. س ۱
۲۵۱	 متن رساله
۲۵۷	 رساله در وجود
۲۵۷	 معرفی دست نویس ها
۲۵۷	 ۱. پ
۲۵۸	 ۱-۱. رسم الخط پ
۲۵۹	 ۲. س ۲
۲۶۰	 ۱-۲. رسم الخط س ۲
۲۶۱	 متن رساله
۲۷۱	 رساله در سیر و سلوک
۲۷۱	 معرفی دست نویس ها
۲۷۱	 ۱. ص
۲۷۲	 ۱-۱. رسم الخط ص
۲۷۳	 ۲. کم
۲۷۳	 ۱-۲. رسم الخط کم

۲۷۴	 متن رساله
۲۸۳	 رساله اسکندریه
۲۸۳	 معرفی دست‌نویس‌ها
۲۸۳	 ۱. ک.
۲۸۶	 ۱-۱. رسم‌الخط ک
۲۸۷	 ۲. ق
۲۸۸	 ۱-۲. رسم‌الخط ق
۲۸۸	 متن رساله
۳۱۱	 حواشی
۳۱۵	 نمایه‌ها
۳۱۷	 شخصیت‌های تاریخی و سلسله‌ها
۳۲۵	 مکان‌ها
۳۲۹	 کتاب‌ها، رسائل و مقالات
۳۳۵	 اصطلاحات فلسفی، کلامی و عرفانی
۳۴۱	 منابع

سلسله ختم دکتر ابطی از زیر لهرت برآورد سلسله
 انت است بر است موقوفات دکتر افش رت کتبر را
 و مکتب باید منتشر نمود. هم موهنج کار است
 از کتبر است و هم صورت کار است
 مطابق اصول و زیاده است
 آفرین بر ختم دکتر ابطی.

۱۴۰۰
 آذر ماه
 سید آید

گزارش اجمالی

وظیفه اصلی کتاب پیش رو، احیای میراث فکری یکی از علمای برجسته قرن هشتم و آغاز قرن نهم هجری است. این دانشمند طراز اول که علی بن محمد جرجانی (۷۴۰-۸۱۶ق) نام دارد و با لقب میرسیدشریف مشهور گشته، از ارکان علمی زمان خود به شمار می‌آید و استاد مبرز مدارس شیراز در عصر حافظ و مدارس سمرقند در دوره حکومت تیمور است. وی صاحب حواشی و شروح متعددی بر آثار علمای پیشین با موضوعات حکمی همچون منطق، فلسفه، کلام و همینطور علوم ادبی یعنی بلاغت و صرف و نحو عربی است. در این تحقیق رسائل فارسی وی با موضوع کلام و فلسفه و عرفان برگزیده شده که این کار دارای فوایدی است؛ از جمله آنکه خارج از قالب شرح و حاشیه که شیوه رایج نگارش علمی در آن روزگار بوده، آثار مستقلی از او بر پایه حدود بیست نسخه کهن و معتبر عرضه می‌گردد. ثانیاً این رسائل به زبان فارسی نگارش یافته و مخاطب آن طیف گسترده‌تری از ایرانیان طالب علم را دربرمی‌گیرد و نشان از رسمیت یافتن نسبی زبان فارسی در آن دوره تاریخی برای تحریر آثار با موضوعات علوم عقلی دارد. از قدیم، شریف جرجانی به تبخّر در حوزه حکمت زبانزد بود، لیک در اینجا رسائل کلامی تازه‌ای اثر خامه او عرضه می‌گردد. اما

مسئله مهم تر و بدیع تر، جانب عرفانی اندیشه اوست که پیش از این مورد توجه و بررسی واقع نگشته بود، حال آنکه معرفت صوفیانه، خصوصاً مسائل مرتبط با مکتب محی الدین ابن عربی، از دوران شباب تا انتهای عمر، خاطر جرجانی را در کنار توغل در مباحث علمی و مدرسی، مجذوب خود ساخته بود. به منظور شناخت دقایق و تبیین ابعاد اندیشه او، سعی ما در بخش اول این تحقیق مصروف بر آن بوده که بر اساس مدارک و مستندات تاریخی متعددی که در اختیار بود، به روایت مراحل گوناگون حیات علمی جرجانی از آغاز تا به انجام مبادرت ورزیم؛ به گونه ای که در خلال آن توصیف اوضاع فرهنگی و معرفی رجال دانشور آن عصر نیز مد نظر قرار گیرد. پس از آن، بحثی در مورد عقاید کلامی، مذهب و آرای عرفانی او بر مبنای کلیت آثارش، خصوصاً رسائلی که در این تحقیق گرد آمده، مطرح می شود. معرفی چنین شخصیتی که در آن برهه تاریخی - یعنی در حده فاصل سقوط ایلخانان و اوایل تیموریان - می زیست، به طور مستقیم نمودار مرحله ای از سیر تطور حکمت در ایران است که اندک زمانی پیش از ظهور صفویه زمینه را برای پذیرش هماهنگ عرفان نظری و فلسفه به دنبال افول کلام اشعری، هموار می سازد.

پیشگفتار

نگاهی دیگر به عصر حافظ

در منظر بسیاری از علاقه‌مندان تاریخ ادبیات در ایران، شعر کلاسیک فارسی در شیراز قرن هشتم هجری با غزلیات خواجه حافظ به کمال رسید و سپس زوال و انحطاط دامن آن را گرفت: *إذا تمَّ الکمالُ فهو نقص*. در حقیقت، این برهه تاریخی و این مکان جغرافیایی شاهد به اوج رسیدن زیبایی و هماهنگی صورت و محتوای معنوی - عرفانی در شعر فارسی بود. اما این کمال چنانکه می‌دانیم نه در موقعیتی آرام و باثبات بلکه در زمانی واقع شد که ایران از جمله منطقه فارس تاحدی، بی‌نظمی‌ها و خشونت‌های متعددی را در عرصه سیاسی و اجتماعی از سر می‌گذرانید. امری که ظاهراً در تعارض با شکوفایی و درخشش اشعار حافظ قرار می‌گیرد. همین مسئله، حساسیت و کنجکاوی محققان تاریخ ادبیات را برانگیخت و آنان را به طرف مطالعه و تأمل در رخدادهای سیاسی و منازعات حاکمان فارس با یکدیگر در قرن هشتم هجری سوق داد تا بتوانند در غیاب معلومات عمده مرتبط با حیات حافظ، لااقل از اوضاع مملکتی این دیار به خوبی مطلع

گشته و آن را با مراحل زندگی شاعر تطبیق دهند. این محققان البته به تأسی از منابع قدیم که در این زمینه پیشگام بودند، تلاش کردند بر پایه معلومات تاریخی یا شبه تاریخی، بازتاب و رد پای وقایع را در دیوان حافظ بازجویند و به اصطلاح «اسباب نزولی» برای هر یک از غزلیات او فراهم آورند. نمونه بارز و قدیمی چنین تحقیقاتی کتاب دکتر قاسم غنی، تاریخ عصر حافظ در قرن هشتم است که چاپ اول آن به سال ۱۳۲۲ شمسی صورت گرفت. این اثر در نوع خود جامع و بی بدیل بود و در محافل فرهنگی، بسیار مورد توجه واقع شد و بر کار محققان بعدی تأثیر گذاشت و تا هم اکنون نیز از کتاب های مرجع در این حوزه محسوب می شود. در این گونه جستارها، عموماً اطلاعات زندگی نامه ای حافظ با درجات مختلف اعتبار، در ارتباط مستقیم با اعمال حُکام و فرمانروایان فارس یعنی آل اینجو و سپس آل مظفر قرار می گیرد و در جریان آن، به نوعی تاریخ ادبیات و تاریخ حکومت ها با یکدیگر گره خورده و در قاب بندی واحدی به خوانندگان ارائه می گردد. تصویری که البته بر جنبه سیاسی زندگی شاعر پرتو می افکند. اما مسئله ای که در ارتباط با زمانه او در منابع حافظ شناسی به طور حاشیه ای بدان پرداخته می شود و معمولاً در کانون توجه نویسندگان قرار نمی گیرد، این است که شخصیت حافظ و به تبع آن، بازتاب فکر و طبع او یعنی شعرش با همه حسن و جمالی که در کلمات و نحو و موسیقی آن جاری است - و این جنبه از اثر او تا حد مطلوبی مورد تأمل واقع شده - در چه بستر علمی و فرهنگی شکل گرفته؟ در دوران او، علوم ادبی و دینی و به ویژه علوم عقلی در چه مرحله ای از سیر تکامل خود قرار داشت؟ عقاید کلامی و نظریات فلسفی به چه سمت و سویی می رفت و چه چشم اندازی

در مقابل آن بود؟ جریان عرفان و تصوّف در آن زمان چه مختصاتی یافت؟ پیوند میان فلسفه و عرفان چگونه شکل گرفت؟ کتاب‌های شاخص و مورد اقبال علما در شعب مختلف دانش کدام‌ها بود؟ در یک کلام، حافظ در کجای تاریخ اندیشه در ایران ایستاده بود؟

واقعیت این است که چنین پرسش‌هایی را نه در مورد حافظ بلکه در مورد هر شاعری که سخنش آمیخته به معانی عمیق حکمی و عرفانی باشد می‌توان طرح کرد از جمله در مورد ناصر خسرو، سنایی، عطار و مولانا. ممکن است بعضی به نگارنده خرده بگیرند که شخصیتی همچون حافظ در وهله اول، در امر سخنوری چیره‌دست و قریحه شاعری او منحصر به فرد بود. دواوین شعرای گذشته و معاصر خود را به دقت خوانده و در ظرایف آن تأمل نموده بود و گاه با ایجاد تغییری جزئی، تحولی در شبکه میان کلمات و صورخیال ابیات سروده دیگران ایجاد می‌کرد و آن را از فرش به عرش می‌رساند و از این دست استادی‌ها و مهارت‌ها. سخن صحیحی است اما این ویژگی‌ها مربوط به صورت و جمال کلام اوست البته اگر بتوان به طور انتزاعی صورت را جدا از محتوا تصور کرد. در حقیقت، هر فرد مطلعی که با حضور ذهن و قلب، مبادرت به خواندن ابیات خواجه حافظ کند از همان ابتدا بار سنگین معانی حکمی، کلامی و عرفانی سخن او را که البته در غزل‌هایش به میزان متفاوتی بازتاب یافته، احساس می‌کند. آنچه این جنبه از اندیشه حافظ را ساخته نه ارتباط او با دربار حاکمان محلی فارس و نه صرفاً مطالعه اشعار سخنوان قدیم و معاصر، بلکه تنفس در فضای فکری و فرهنگی خاصی است که در آن دوران به‌ویژه در شهر شیراز با شرایط ممتازش صحنه‌گردان بود. به پژوهش‌های شاخص در

مورد دوران حافظ اشاره شد. به دور از انصاف است اگر نامی از تصحیح کتاب ممتاز شد/لازار و حواشی گرانسنگ علامه قزوینی طی آن (چاپ شده در ۱۳۲۸)، به میان نیاوریم در حالی که این اثر مملو از اطلاعات دست اول دربارهٔ رجال نامی و دانشور معاصر این شاعر است و همچنین مکتب حافظ تألیف استاد منوچهر مرتضوی (چاپ شده در ۱۳۴۴) که جنبهٔ عارفانهٔ اشعار او را به خوبی واکاوی نموده و ریشه‌های آن را در تاریخ تصوف نشان داده است. این آثار در عین قدر و ارج فراوانشان، راجع به پرسش‌های سابق الذکر، به صورت کلان بحث نمی‌کنند.

طرفه آنکه همهٔ این مقدمات گفته شد برای ورود به موضوع تحقیقی که در مورد حافظ نیست. یکی از شخصیت‌ها و دانشمندان برجسته‌ای که شناخت همه‌جانبهٔ او می‌تواند روزنهٔ روشنی به سوی موقعیت علم و فرهنگ در شیراز عصر حافظ باز کند، میرسیدشریف جرجانی (۷۴۰-۸۱۶ق) است که از قضا سال‌های زیادی را در این شهر سپری کرده بود. اطلاع از متون و علوم که او به درس خوانده و خود آنها را تدریس نموده، استادانی را که دیده، علما، رجال و همدرسانی که با آنها مصاحبت داشته، جریان‌های فکری اعم از فلسفی، کلامی و عرفانی که بدان مرتبط بوده و همچنین آثاری که به رشتهٔ تحریر درآورده، همه و همه، پیوند پیدا و پنهانی نخست با وضع علم و فرهنگ در قرن هشتم و سپس با حیات فکری خواجه حافظ دارد. حال ممکن است این سؤال در ذهن خوانندگان ایجاد شود که چرا این گفتار با بحث نسبتاً مفصلی در مورد این شاعر آغاز شد؟ مگر میرسیدشریف جرجانی، مستقلاً و به قدر کافی شهرت و اعتبار ندارد که بخواهد رونق و سکهٔ ارج خود را از نام حافظ بگیرد؟ پاسخ این است: راقم این سطور که از ابتدای امر با اشعار خواجه حافظ انس و الفت یافت،

علاوه بر توجه به زیبایی‌های لفظی سخن او، درباره محتوا و پیش‌زمینه فکری و اعتقادی آن نیز به طور مداوم می‌اندیشید. وانگهی از آنجا که بسیار به سیر تحول تصوف، حکمت، و علوم عقلی در عالم اسلام و بالأخص ایران علاقمند بود، در ذهن او پرسش‌های یادشده در بالا، ایجاد شد. از طرف دیگر، با شخصیتی مواجه گشت که شناخت او، و پژوهش در مورد آثارش می‌توانست پاسخ درخوری به این سؤالات باشد. پس با این حساب، توضیح در باب خاستگاه این تحقیق که می‌تواند علت غایی یا فایده آن نیز باشد، کاری موجه است. چنانکه معرف باید ضرورتاً اجلی از معرف باشد، برای خوانندگان، پرداخت چنین تمهیدی رعایت قاعده مزبور است و به‌علاوه، در حکم حسن مطلع قصیده‌ای است که پس از آن می‌بایست به تخلص یعنی بحث اصلی ورود کرد.

درباره تحقیق پیش رو

آنچه انگیزه پژوهش در مورد شریف جرجانی را تقویت می‌کرد، این بود که در باب موضوعات مورد نظر ما یعنی حوزه کلام و فلسفه و عرفان، نوشته‌های فارسی متعددی منسوب به او شناخته شد. این نوشته‌ها به شکل دستنویس در کتابخانه‌های مختلف، عمدتاً در ایران محفوظ بوده و دو مورد از آن بدون هیچ تصحیح انتقادی به چاپ رسیده بود.^۱ این در حالی است

۱. مقصود رساله اسکندریه است که توسط یزدی مطلق «فاضل» (۱۳۸۰: ج ۲/۱۴۳۲-۱۴۴۷) در مجموعه مقالات محقق‌نامه پس از توصیف مختصری درباره شرح احوال و آثار جرجانی، منتشر شد. عجیب است که نویسنده مذکور، نامی از نسخه مورد استفاده خود نیاورده است. مورد دوم، حاج نصرالله تقوی است که چاپ سنگی از رساله الوجود یا رساله فی مراتب الموجودات را بر اساس نسخه‌ای به خط عماد الکتاب (مکتوب در قرن چهاردهم هجری و موجود در کتابخانه مجلس به شماره ۴۲۵۷) منتشر کرد.

که بدنه اصلی آثار این عالم به زبان عربی است و اغلب آنها شرح یا حاشیه بر کتب دانشمندان دیگر است. بنابراین رفتن به سراغ تألیفات فارسی او که در عین حال خارج از چهارچوب شرح و حاشیه نوشته شده و ماهیت مستقلی دارد، جاذبه فراوانی ایجاد می‌کرد. بررسی فهرس نسخ خطی از جمله فهرست نسخه‌های خطی فارسی و فهرستواره کتاب‌های فارسی، هر دو از احمد منزوی به ترتیب چاپ شده در سال‌های ۱۳۴۸-۱۳۵۳ و ۱۳۸۱-۱۳۸۳ و همین‌طور فهرستواره دست‌نوشت‌های ایران (دنا)، امکان دسترسی سهل‌تر به این دستنویس‌ها را فراهم کرد. سپس با مراجعه به کتابخانه‌ها، تصویر اکثر دستنویس‌های معرفی شده در این فهرس جمع‌آوری شد و تعدادی از نسخه‌ها نیز در طول انجام کار با مراجعه موردی به بعضی مجموعه‌های خطی شناسایی و تهیه گشت.

مطالعه اجمالی این نوشته‌ها، از آنجا که نثر بسیار روشن و فصیحی داشتند، باعث شد تا تصویر واضح‌تری از رویکرد کلامی-فلسفی او به دست آوریم هرچند در این باره نظر قطعی برایمان حاصل نشد و به‌خصوص در مورد مذهب او گره‌ها و مشکلاتی پیش رویمان قرار داشت. مسأله مهم‌تر آن است که از طریق این رسائل بُعد تازه‌ای از تفکر شریف جرجانی که پیشتر مغفول مانده بود، آشکار گشت. به این معنا که طی این آثار به نحو گسترده‌ای درباب شناخت عرفانی و معرفت‌شهودی، وحدت وجود و مبانی آن و دفاع از مواضع صوفیه، سخن رفته است. به دلیل آنکه مؤلف در رساله‌های عرفانی خود گاه به شیوه استدلالی بحث کرده و نسبت دیدگاه‌های صوفیه را با نحله‌های دیگر فکری یعنی متکلمان و حکما (فلاسفه) توضیح داده است، این شیوه، زمینه‌ای به دست ما داد که بتوانیم

به صورت کلی، به ارتباط میان عرفان نظری با فلسفه و کلام در قرن هشتم و آغاز قرن نهم هجری ببریم.

اینها مسائل اصلی است که در تحقیق با آن مواجه شدیم و برای حلّ و به در آمدن از عهده آن، ناگزیر می‌بایست به سبکی روشمند و اصولی عمل می‌کردیم. برای ارائه تحلیلی مستند پیرامون محتوای متون گردآوری شده و همچنین پی بردن به تمایلات فکری مؤلف در زمینه‌های گوناگون، نخست لازم بود تا شرح حالی دقیق و جزئی از زندگی علمی او در اختیار داشته باشیم. شرح احوال و آثار نوشته شده به دست نویسندگان ایرانی از جمله یزدی مطلق «فاضل» (۱۳۸۰: ج ۲/۱۳۸۹-۱۴۳۲) و مدخل دائرةالمعارف‌های فارسی، کم و بیش شبیه به هم و دربردارنده معلوماتی یکسان بود و از طرف دیگر نگاه نقّادانه و تشخیص اشکالات موجود در منابع تاریخی، در آنها دیده نمی‌شد. مسائل به‌خوبی پرداخته نشده بود و ابهامات و تناقضات فراوانی وجود داشت. حجم کم و اختصار آنها نیز به همین دلیل است. شرح حال نوشته یوزف فان اس در دائرةالمعارف / ایرانیکا (Van Ess, 2009)، و همچنین در کتاب مستقلی که به جرجانی اختصاص داده (Van Ess, 2013) و ذکر آن خواهد آمد نسبت به بیوگرافی‌های فارسی از دقت بالاتری برخوردار بوده و تا اندازه‌ای رویکرد انتقادی در آن رعایت شده اما بسیاری از مشکلات و ابهامات، هنوز به قوت خود باقی بود. با این اوصاف، نگارش یک سیره مفصل، توصیفی و انتقادی که شرح حال‌های پیشین را ویرایش کند، ایرادات را رفع کند، پاره‌ای از گره‌ها را بگشاید و معلومات جدیدی را در مورد مؤلف و روزگار او به دست دهد، بسیار ضروری می‌نمود.

برای نیل به این مطلوب، نگارنده، جمله منابع قدیم اعم از کتب تاریخ، تراجم، رجال، سیره، تذکره و غیره را که نامی از «زین‌الدین علی بن محمد

بن علی، معروف به میرسیدشریف جرجانی» و همچنین از مصاحبان، استادان و همدرسان او در آنها آمده بررسی نمود و به لحاظ تقدّم و تأخّر زمانی آن منابع را دسته‌بندی کرد. این کار باعث شد تا اطلاعات اصیل و قدیمی از مواردی که به صورت تقلیدی در کتب جدیدتر نوشته شده بود، متمایز گردد. مسأله مهم دیگر در این باره آن است که در مآخذ گوناگون کم و بیش با داستان‌هایی درباره میرسیدشریف مواجه شدیم که شبه افسانه و دارای لحنی قصه‌پردازانه بوده اما همزمان نکات حائز اهمیتی در باب حیات علمی و سلوک معرفتی او نقل می‌کردند. رویکرد کلی ما در مواجهه با این حکایات چنان بود که سعی کردیم جنبه‌هایی از واقعیت را که درون آنها نهفته است موشکافانه بیابیم و صحت و سقم هر فرضیه‌ای را با آمارات و مستندات دیگر بسنجیم و بدین ترتیب ارتباطی میان محتوای این دسته از حکایات با سایر معلومات قطعی که در اختیارمان بود، برقرار کنیم. اما به‌هرحال، در سیره حاضر، اجزای هر روایت چه از نوع تاریخی صرف و چه داستان‌گونه، از زوایای گوناگون تحلیل و نکات اساسی منتج از آن تبیین شده است. در مجموع با رعایت این ضوابط تلاش شد تا شرح حال منسجم و یکپارچه‌ای نوشته شود و طی آن، مراحل مختلف حیات او ذیل عناوینی خاص از یکدیگر متمایز گردد. البته پیش از آن در یک قسمت، درباره وضع علم و فرهنگ، چهره‌های شاخص و کتب متداول در روزگار جرجانی، توصیفی به عمل آمده که در حکم پیش‌درآمدی برای ورود به سیره این عالم است و محتوای آن با بحث و سؤالات طرح‌شده در ابتدای این گفتار همخوانی دارد. به دنبال حیات شریف جرجانی، در سه بخش کوتاه، راجع به موقعیت و جایگاه اولاد و ذریه او در ادوار بعدی، با تکیه بر مدارک موجود، معلوماتی عرضه شده است.

پس از ارائه شرح احوال، بر پایه متونی که به دست آمد به اضافه آثار دیگر مؤلف، سعی شد تا طرحی از عقاید کلامی و آرای عرفانی وی به نمایش گذاشته شود. در قسمت ششم، افزون بر گرایش‌های کلامی به طور مفصل دربارهٔ مذهب او، یعنی اهل سنت یا شیعه بودنش بحث شده و طی آن قراین و مدارکی که به نفع تشیع او برخلاف تصور عمومی گواهی می‌داد، بازگو نمودیم. هرچند در این باره نمی‌توان به قطع و یقین نتیجه‌گیری کرد. در قسمت هفتم، نقطه نظرات عرفانی از جمله آنها که در این رسائل تازه مطرح شده، تبیین می‌گردد. دفاعیهٔ جرجانی از مسأله وحدت وجود مورد مذاقه قرار می‌گیرد و بناست تا منابع و نویسندگان مورد الهام او و آنان که رقیب و منازع وی بودند، معرفی گردد. شایسته ذکر است که پشتوانهٔ این قسمت، اطلاعاتی است که در بخش زندگی‌نامهٔ جرجانی به دست داده شده و طی آن، ارتباط این دانشمند با شخصیت‌های منتسب به جریان عرفان و تصوف در مراحل مختلف حیات او به اثبات رسیده است. سپس قسمت هشتم، شامل جمع‌بندی نگارنده از دو قسمت اخیر و نتیجه‌ای است که از بررسی تمایلات کلامی و دیدگاه‌های عرفانی مؤلف حاصل می‌شود. به‌خصوص جایگاه ممتاز او نسبت به معاصرانش در سیر تحول حکمت و تاریخ اندیشه در ایران سدهٔ هشتم و نهم هجری روشن می‌گردد. سپس با نظر به مساهمت وی، به آیندهٔ عرفان نظری و پیوند آن با فلسفهٔ اسلامی در ادوار بعدی اشاره‌ای صورت می‌گیرد.

در مورد شرح آثار او باید توضیح داد که این امر، موضوعی بسیار گسترده و محتاج به دقت و تتبع فراوان است چرا که نوشته‌های منسوب به این عالم از هر نوع که باشد، در غایت تکثر و گوناگونی است، چنانکه

برشمردن و دسته‌بندی آنها، بررسی صحت و سقم انتسابشان به جرجانی و ذکر دستنویس‌های برجای‌مانده از هر یک، زمان زیادی می‌طلبد. در صورتی که وقت ما اندک و حوصله این گفتار محدود است. لکن واضح است که طی این تحقیق به شکل گسترده‌ای از تألیفات شاخص او نظیر کتاب *التعريفات*، شرح *المواقف*، حاشیه *تسديد القواعد*، *المصباح فی شرح المفتاح* بهره برده می‌شود. افزون بر این، سه کتابشناسی مهم از آثار او تهیه شده که ملاحظه آنها به موازات یکدیگر می‌تواند به نحو قابل توجهی راهگشا باشد. با این حال امید است که در آینده فرصتی به دست آید تا بتوان اشکالات و کاستی‌های موجود در این کتابشناسی‌ها را برطرف و تکمیل نمود. این موارد، به ترتیب سال چاپ عبارتند از: ۱. توصیفی که محمود یزدی مطلق (فاضل) تحت عنوان «آثار میر سید شریف گرگانی» در مقاله پیشتر یادشده، به دنبال شرح حال او آورده. عدد نوشته‌های جرجانی در این فهرست ۹۵ فقره است (یزدی مطلق «فاضل»، ۱۳۸۰: ج ۲/ ۱۴۰۰-۱۴۲۵).

۲. مقاله مهدی شکیبانی و رضا پورجوادی تحت عنوان «کتابشناسی میر سید شریف جرجانی (گرگانی)» چاپ شده در مجله *معارف*، شماره ۵۷، اسفند ۱۳۸۱. در این مقاله، برای آثار جرجانی ترتیب موضوعی در نظر گرفته شده و به طور فشرده نسخه‌های خطی موجود از هر فقره (در حد اطلاع نویسندگان در آن زمان) معرفی شده‌اند. ۳. فهرست‌هایی که یوزف فان اس استاد و محقق آلمانی فراهم نموده. یکی مقاله اوست که به زبان انگلیسی در دانشنامه *ایرانیکا* با مدخل «JORJĀNI, ZAYN-AL-DIN ABU'L-» به چاپ رسیده. در نسخه آنلین، تاریخ نگارش اولیه مقاله، سال ۲۰۰۹ میلادی عنوان شده. او در

بخش پایانی نوشتار خود، آثار جرجانی را به ترتیب موضوعی نام برده است. مضاف بر مآخذ عربی، منابع نسخه‌شناختی غربی از جمله مجموعه بروکلمان، نویسنده را در تهیه این فهرست یاری گر بوده‌اند. دوم، کتاب مختصری است که فان اس درباره احوال و آثار میرسیدشریف جرجانی به زبان آلمانی در ۱۴۶ صفحه با مشخصات ذیل تألیف نموده. سال چاپ آن ۲۰۱۳ میلادی است.

Die Träume der Schulweisheit: Leben und Werk des Alī b. Muḥ ammadal-Ġurġānī (gest. 816/1413), Wiesbaden, Harrassowitz Verlag, 2013

بخش دوم این تحقیق، به تصحیح رسائل منتخب ما از میرسیدشریف اختصاص یافته است. توالی این هفت رساله به ترتیب موضوعی شکل گرفته؛ چنانکه دو اثر نخست با محتوای کم و بیش مشابه یعنی رساله در عقاید و رساله در رد شبهات فلاسفه و عقاید معتزله، در حوزه عقاید و کلام است. مورد سوم، رساله در مسایل علوم سه گانه، مشتمل بر مباحثی است که تقریباً میان فلسفه و کلام مشترک است، جز آنکه هر کدام از این دو مقوله با مبانی و بینش خاص خود درباره آن مباحث به استدلال می‌پردازند. رسائل بعدی در زمینه عرفان و تصوف است. محتوای نوشته سوم و چهارم یعنی رساله در معرفت صنع و صانع و رساله در وجود با یکدیگر شباهت داشته و هر دو حول محور مسأله وحدت وجود شکل گرفته‌اند اما در رساله اخیر، این مسئله شرح و بسط یافته و ابعاد گوناگون آن روشن می‌گردد حال آنکه در نوشته نخست (رساله در صنع و صانع) بحث یادشده از حد مقدمات فراتر نمی‌رود. موضوع رساله در سیر و سلوک همانگونه که از نام آن مشخص است، منحصرأ به مطالب عرفانی اختصاص یافته است. نوشته هفتم و پایانی با عنوان رساله اسکندریه شامل پاسخ‌های شریف

جرجانی به سؤالات دینی، کلامی و فلسفی میرزا اسکندر بن عمر شیخ، نواده تیمور است. مؤلف در این رساله سعی نموده تا دیدگاه متشرعین سنتی که معنای ظاهری دین را ملاک می‌دانند و همچنین آرای اهل تأویل یعنی حکما و عرفا را در پاسخ‌های خود بگنجانند و می‌توان گفت که او از میان این دو رویکرد، بیشتر جانب گروه دوم را نگاه داشته. به دلیل عمومیت موضوع، رساله اسکندریه در آخر قرار گرفته است.

نخستین گام برای شروع کارِ تصحیح، اطمینان از صحت انتساب این نوشته‌ها به میرسیدشریف جرجانی بود. با در نظر گرفتن دو معیار، صحت و اصالت تعدادی از رسائل احراز گشت. اولاً، مباحث، عبارات و الفاظ گفته‌شده در این رسائل با آثار عربی و فارسی مؤلف اعم از چاپ‌شده و نسخه خطی، سنجیده و مطابقت بسیاری از فقرات آن با یکدیگر مشاهده شد. حتی نگارنده به مطالب و جملاتی در نوشته‌های فارسی برخورد کرد که علاوه بر یک رساله، در رساله دیگر نیز همان‌ها تکرار شده که همین مطلب دال بر منشأ یا مؤلف واحد آنهاست. ثانیاً هیچ‌کدام از رسائل حاضر در این تحقیق، تک نسخه نبوده و حداقل دارای دو دستنویس غیر همسانند که کاتب در آغاز یا پایان آنها، نام صاحب رساله را درج نموده. عمل بر اساس این دو معیار باعث شد تا نوشته‌هایی که تنها در یک دستنویس به جرجانی منسوب شده و هیچ شباهت لفظی و معنوی با دیگر آثار او ندارد، از گردونه اعتبار ساقط شود. نمونه‌اش دستنویس کتابخانه امیرخواجه کمانکش به شماره ۴۹ است که ذیل نسخه بدل رساله در سیر و سلوک آن را معرفی کرده‌ایم. در عنوان رساله چهارم و پنجم حاضر در این مجموعه خطی، مرقوم در برگ‌های ۳۶ب- ۴۷ الف، آمده: «رساله للسید الشریف الجرجانی». با این

حال، مندرجات، سبک نوشتار و معلوماتی که در این نوشته‌ها پدیدار است، حائز هیچ کدام از دو شرطی که در بالا ذکر کرده‌ایم، نیست و حکایت از تعلق آنها به یک یا دو نفر از عرفای طریقت کبروی دارد.

در ابتدای هر رساله، نسخه‌های مورد استفاده برای تصحیح، مفصلاً معرفی شده‌اند که با این کار تفکیک دستنویس‌ها، سهل‌تر صورت می‌گیرد. در اینجا می‌بایست به اطلاع خوانندگان برسانیم که در مواردی، نسخه‌هایی که برای تصحیح انتخاب شده، شامل تمامی دستنویس‌های برجای‌مانده از یک رساله نیست، بلکه گزینش نسخه‌ها بسته به هر مورد، با ملاک‌های خاصی صورت گرفته که درباره‌اش توضیح می‌دهیم. در مورد اثر اول یعنی رساله در عقاید همه دستنویس‌های موجود لحاظ شد که عدد آنها در حد دانش ما، بیش از دو نیست. پس از آن، دستنویس‌های رساله در ردّ شبهات فلاسفه و عقاید معتزله همین تعداد بود که به کار گرفته شد. این مسئله در مورد رساله سوم و چهارم نیز صادق است با این تفاوت که تعداد دستنویس‌های این دو، هر کدام سه است. در واقع، رسانی که نسخه‌های آن کم‌تعداد بود مانند موارد مذکور، بنا شد که همه آنها به کار گرفته شود چرا که هیچ کدام از اینها نسخه نفیس و بی‌نقصی نبوده‌اند و مقابله همه آنها با یکدیگر به منظور تکمیل و رفع اشکال، ضروری می‌نمود و اینگونه از اعتبار متن و اعمال تمام دگرسانی‌ها اطمینان حاصل می‌کردیم. در فهرست دنا از پنجمین مورد یعنی رساله در وجود، ۷۰ نسخه خطی معرفی شده است (درایتی، ۱۳۸۹: ج ۱/۹۹۸-۱۰۰۰). بنابراین از این تعداد، ناگزیر به انتخاب اصحّ و اقدم آنها گشتیم. ابتدا قرار شد سه نسخه قرن نهمی آن یعنی دستنویس موزه توپکاپی استانبول به شماره ۲۰۴۲، دستنویس محفوظ در

مدرسه سپهسالار (شهید مطهری کنونی) به شماره ۶۶۷۴ و دستنویس کتابخانه آستان قدس به شماره ۵۸۷۶ (در فهرست قدیم تحت شماره ۷۱۳ ثبت شده)، مبنا قرار گیرد اما سپس مورد اخیر از دستور کار خارج شد زیرا حین مقابله آن با دو نسخه دیگر به افتادگی‌های آن، علاوه بر اغلاط پر شمار کاتب پی بردیم. افزون بر این، تعلق نسخه به قرن نهم را فهرست‌نویس کتابخانه آستان قدس عنوان کرده است به دلیل «وحدت خط این نسخه با نسخه ۶۱۵ که کاتب آن محمود رومی است و در سده نهم نوشته شده» (بی‌نام، ۱۳۲۵: ج ۴/ ۱۴۹) اما جایی در مجموعه چنین تاریخی ثبت نشده بود. لذا حضور آن کمکی به تصحیح متن نمی‌کرد. وانگهی نسخه اساس محفوظ در موزه توپکاپی، مورخ ۸۸۸ق هم از قدمت نسبتاً خوبی برخوردار بود و هم از حیث دقت و صحت قابل اعتماد. بنابراین به تنهایی می‌توانست موثق باشد. تاریخ نگارش نسخه بدل، ۲۴ سال قدیم‌تر از نسخه موزه توپکاپی است اما به دلایلی که ذیل معرفی دستنویس‌های رساله ذکر می‌شود، اساس کار قرار نگرفت. با این حال ملاحظه خصائص املائی و ضبط‌های آن می‌توانست اصالت متن را بالاتر برد. در نتیجه، از این دو دستنویس برای تهیه متن رساله بهره جستیم.

از ششمین اثر یعنی رساله در سیر و سلوک، در کتابخانه‌های ایران، ۵ نسخه شناسایی شده (رک. درایتی، ۱۳۸۹: ج ۶/ ۱۹۳). با وجود این، نسخه اساس ما دستنویس نفیس کتابخانه ایاصوفیای استانبول به شماره ۴۷۹۲ قرار گرفت که کهنسال‌ترین نسخه موجود در این تحقیق است و در سال پایانی حیات مؤلف یعنی ۸۱۶ق در شیراز و احتمالاً از روی بیاضی به خط او استنساخ شده است. این دستنویس از حیث دقت، سلامت و پاکیزگی بی‌نظیر است و هیچ عذری برای نپذیرفتن آن به عنوان نسخه اساس وجود ندارد تا حدی

که می‌توان گفت با وجود آن، از لحاظ کردن دستنویس‌های دیگر مستغنی هستیم. با این حال نسخه‌بدل‌های معرفی شده در فهرست *دنا* جمع‌آوری و مطالعه شد. مشکلی که وجود داشت این بود که علاوه بر تأخر زمان کتابت آنها، تبارشان به همین دستنویس کتابخانه ایاصوفیا می‌رسید جز آنکه در انشای آنها تغییرات و تحریفات متعددی صورت گرفته بود. به عبارت دیگر، نسخه‌بدل‌ها همان نسخه اساسند که به شکلی مغلوط و با ضبط‌های غیر اصیل به نگارش درآمده‌اند. سپس به نحوی از دستنویس کتابخانه امیرخواجه کمانکش در استانبول، به شماره ۴۹ که پیشتر ذکر آن رفت، اطلاع یافتیم. تاریخ کتابت این مجموعه ۸۳۶ق است. لذا این مورد، بعد از دستنویس ایاصوفیا، کهن‌ترین نسخه مورد استفاده ما در تحقیق حاضر شمرده می‌شود. هرچند تبار آن با نسخه اساس متفاوت بوده و در پایان چند عبارت افزوده دربردارد اما همچنان ارزش، اصالت و دقت آن به پای نسخه اساس نمی‌رسد. به هر حال، دو امتیازی که از آن یاد شد، انتخاب این دستنویس را به عنوان نسخه‌بدل توجیه می‌نماید. پس از آن، نوبت به آخرین نوشته یعنی *رساله اسکندریه* می‌رسد. به لحاظ کثرت و تعدد دستنویس‌ها، این رساله نسبت به سایرین - با اندک اختلافی نسبت به *رساله* در وجود- در جایگاه نخست قرار می‌گیرد. ۷۶ نسخه خطی از آن در فهرست *دنا* ثبت شده‌است (درایتی، ۱۳۸۹: ج ۱/ ۸۱۴-۸۱۶) که از میان آنها دو نسخه کهن‌تر و تاریخ‌دار برگزیده شد. دستنویس کتابخانه ملک به شماره ۱۶۶۶ که در سال ۹۹۹ق کتابت شده، اساس قرار گرفت. نسخه‌بدل آن دستنویس کتابخانه آستان قدس به شماره ۳۲۳ است که تقریباً سه دهه پیش از نسخه اساس به سال ۹۶۸ق کتابت شده. در واقع دستنویس اخیر، قدیم‌ترین نسخه موجود از *رساله اسکندریه* در کتابخانه‌های ایران است، اما

به دلایلی که در جای خود گفته می‌شود به عنوان نسخه‌بدل، در کار وارد گشت. لازم به یادآوری است که در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، از این رساله دستنویس قدیمی‌تری معرفی شده که تاریخ نگارش آن به سال ۹۲۱ ق می‌رسد (رک. منزوی، ۱۳۴۹: ج ۲، بخش اول/۷۳۳). لکن محل نگهداری نسخه مزبور، دارالکتب قاهره عنوان شده که هیچ گونه دسترسی یا تماسی با آنجا میسر نبود. امید است که روزی بتوان از مطالعه این دستنویس که گویا کهن‌تر از دیگر نسخ است، بهره برد.

روش تصحیح در همه موارد بدین صورت است که متن از روی نسخه اساس نوشته شده و اختلافات آن با نسخه یا نسخه‌بدل‌ها در پاورقی نگاشته می‌شود. جز در مواضعی که خطای آشکاری در میان نباشد از ضبط نسخه اساس عدول نخواهد شد. در بخش اختلاف نسخ، تلاش بر این است که اکثر دگرسانی‌ها حتی موارد خطا در معرض دید خوانندگان باشد تا از این طریق بهتر در جریان کار و دلیل انتخاب ضبطی خاص از جانب مصحح قرار گیرند. در مورد رسم الخط رسائل، درخور ذکر است که متن رساله‌ها به سبک معمول و امروزی که در این سطور پیداست، و در واقع با همان خصوصیات املائی مقدمه، نگارش یافته است.

در زمانه‌ای که میرسیدشریف جرجانی در آن می‌زیست، فارسی‌نویسی درباب موضوعات علمی و حکمی، همانند ادوار پیشین به‌خصوص سده‌های نخستین اسلامی، امری مهجور و غیرقابل اعتنا نبود. به دلیل رشد و توسعه و تحکیم زبان فارسی تا قرن هفتم هجری، بسیاری از دانشوران ایرانی مایل بودند علاوه بر عربی که هنوز هم دارای غلبه و رجحان بود، به زبان مادری خود نیز دست به تألیف بزنند و گویا دیدگاه کسانی همچون ابوریحان بیرونی (م. ۳۶۲ ق) - با همه عظمت و وسعت فکری‌اش - که وقعی به زبان

فارسی برای بیان مطالب علمی نمی‌نهاد، دیگر خریداری نداشت (رک). بیرونی، (۱۳۷۰: ۱۴). نمونه بارز تغییر هرچند ملایم این رویکرد، آثار خواجه نصیرالدین طوسی است که حتی می‌توان او را از پیشگامان این جریان دانست. وی علاوه بر آنکه *تجريد الاعتقاد*، *شرح الاشارات*، *تلخیص المحصل* و... را به عربی نگاشته، سه کتاب اخلاقی خود که عبارتند از *اخلاق ناصری*، *اخلاق محتشمی* و *اوصاف الاشراف*، *زیج ایلخانی* در علم نجوم، *اساس الاقتباس* در منطق و *فصول نصیری* در اصول عقائد و چندین اثر دیگر را به زبان فارسی تألیف کرده است.^۱ سپس در این مسیر می‌بایست قدر و ارج قطب‌الدین شیرازی (م. ۷۱۰ق) را شناخت؛ دانشمند سرآمدی که مدتی نیز در محضر خواجه طوسی کسب فیض نمود. وی با نگارش *دائرة المعارف عظیم‌النظیر* خود، کتاب *مفصل ذرّة التاج* به زبان فارسی در بیان اقسام حکمت، گنجینه گرانمایی برای این زبان به یادگار گذاشت (رک). شیرازی، (۱۳۶۵). همچنین شایسته است در اینجا به یکی از فیلسوفان برجسته قرن هفتم یعنی افضل‌الدین کاشانی اشاره کنیم که مصنفات پرشمار فارسی او در حوزه حکمت و فلسفه نزد همگان معروف و مشتهر است (رک. کاشانی، ۱۳۶۶). با توجه به این پیش‌زمینه و ذوق و پسند زمانه، اینکه میرسیدشریف به عنوان عالمی ایرانی بخواهد برخی گفتارها و آرای خود را به زبان فارسی به رشته تحریر درآورد، جای تعجب نیست. باید در نظر داشت که تألیفات فارسی این دانشمند بر سه نوع است. نوع اول، آنها که جنبه آموزشی و تعلیمی صرف داشته و در فنون دانشی غیر کلام و فلسفه، یعنی صرف و نحو، منطق و اصول فقه^۲ به زبان فارسی نگارش یافته است. اینگونه تألیفات

۱. برای اطلاع از آثار خواجه نصیر به زبان فارسی، رک. مقاله دکتر محمد معین (معین، ۱۳۳۶: ج ۱)

۲. جز رساله در مسایل علوم سه‌گانه، که بخش اصول فقه از آن مفقود است، و همچنین بند الحاقی به این رساله در نسخه کتابخانه مجلس به شماره ۸۹۱۵، متن فارسی فقهی دیگر از او یافت ←

فارسی او از قدیم در میان طلاب علوم حوزوی معروف بوده و به عنوان متن درسی خوانده می‌شد؛ آثاری نظیر *امثله*، *شرح امثله*، *صرف میر*، *نحو میر*، *منطق صغری* و *منطق کبری*، طی قرن اخیر چندین بار به حلیه طبع آراسته شده‌اند.^۱ نوع دوم، نوشتارهای فارسی او در حوزه حکمت یا به طور خاص در عقاید، کلام و فلسفه است که اکنون مبادرت به تصحیح آن نموده‌ایم. مؤلف، این رسائل کوتاه را بر اساس پشتوانه فرهنگی و تاریخی که در سطور بالا بدان اشاره شد، به رشته تحریر درآورده است. با نگاهی کلی، می‌توان برداشت کرد که او در این دو نوع نوشتارهای فارسی، به شاگردانی عنایت داشته که در آغاز راه فراگیری دانش به دنبال تحصیل مقدمات و مبانی علوم بودند. در مقابل، شروح و حواشی پرشمار عربی خود را مخصوص دانش‌طلبانی ساخته که در محضر اساتید فن، سطوح پیشرفته فضل و دانش را تحصیل کرده و اهل تدقیق و تتبع در مباحث علمی و مدرسی گشته‌اند. نوع سوم نگارش‌های فارسی او که در این تحقیق وارد گشته و مورد تأمل خاص ما قرار گرفته، رسائلی است که دربردارنده نکات و دیدگاه‌های عرفانی اوست که پیش از این به ارزش آنها اشاره شد. در این خصوص باید افزود که برخلاف موضوعات علمی، فارسی‌نویسی

→ نشد. بر مبنای این دو فقره، نتیجه می‌گیریم که وی در موضوع اصول فقه نوشته‌های فارسی داشته است.

۱. رسائل فارسی غیرحکمی او به طور جداگانه چندین بار به چاپ رسیده است. مرحوم مدرس افغانی طی *جامع المقدمات*، *امثله*، *شرح امثله*، *صرف میر* و *الکبری فی المنطق* نوشته شریف جرجانی را بدون تصحیح انتقادی و البته به همراه حواشی که برای توضیح متن در ذیل صفحات نگاشته، مطبوع ساخت (مدرس افغانی، ۱۳۷۰). همچنین *منطق صغری* به اهتمام علی اوجبی بر اساس دو نسخه خطی کتابخانه مجلس، در مجموعه گنجینه بهارستان، حکمت ۱، به طبع رسید (جرجانی، ۱۳۷۹). همچنین شرح جرجانی به فارسی بر *کافی* ابن حاجب در علم نحو، که به شرح گیلایی معروف است اخیراً به چاپ رسیده (جرجانی، ۱۳۹۸).

در زمینه عرفان و تصوّف پدیده غریبی نبوده است، به گونه‌ای که قرن‌ها پیش از میرسیدشریف، رسم اهل طریقت و بزرگان ایرانی وادی معرفت این بود که تجارب معنوی و مکاشفات ذوقی خود و دیگران را اغلب به زبان فارسی بیان می‌کردند و گویا در این زمینه، نزدیکی عاطفی بیشتری با زبان مادری از جانب آنها احساس می‌شد. امتیازی که متون عرفانی جرجانی بر دیگر نوشته‌های فارسی او دارد آن است که نثر رساله در وجود و رساله در سیر و سلوک، در حدّ متعادلی، برخوردار از جنبه‌های ادبی و مزین به آرایش‌های لفظی است که در واقع مضمون آنها چنین خاصیتی را ایجاب می‌کند. وانگهی جمیع نوشتارهای فارسی و همچنین عربی او از وضوح، روشنی، فصاحت و سلاست خاصی برخوردار است که کار مطالعه و فهم معانی و مفاهیم دیرپاب را در هر موضوعی، سهولتی چشمگیر می‌بخشد.

در اینجا لازم می‌دانم که قدردانی ویژه خود را نسبت به استاد بزرگوار و عالی‌قدرم جناب آقای دکتر شفیعی کدکنی ابراز کنم. ایشان با محبت بسیار، شاگرد کوچک خود را - که سال‌ها در محضرشان آموخته - در چاپ این اثر تشویق و حمایت نمودند. همچنین، از دانشمند فاضل، جناب استاد اکبر ثبوت که طرح تحقیق در رسائل این علامه ممتاز را به نگارنده پیشنهاد دادند، تشکر بسیار دارم. و نیز سپاسگزار زحمات جناب آقای دکتر جواد بشری هستم که راهنمایی رساله دکتری این جانب را بر عهده گرفته و در تهیه برخی دستنویس‌ها مرا یاری کرده‌اند.

در پایان این مقال، ایزد متعال را شاکرم که چنین توفیقی را روزی این کمترین ساخت تا به رغم وجود تنگناها، مرارت‌ها و دشواری‌های فراوان ایام اخیر، بتواند از عهده وظیفه‌ای مشکل به درآید و باری ثقیل را در مسیری طولانی حمل کرده، به مقصدی امن رساند. امید است تا اهل فضل

و آداب که در این تحقیق، ضعف و نقصانی می بینند عذر نویسنده را با نظر پاک خطاپوش خود بپذیرند که او در این شرایطِ عسر و حرج، هرچه در توان داشت صرف نمود تا کاری لایق نام صاحب این آثار عرضه کند. آرزو می کنم که لطف الهی باز مدد رساند تا در آینده به تکمیل و تهذیب این نوشتار توانم کوشید. و هو خیر المعین و به الحول و القوه.